Archive of SID

دانشکدۀ مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان انجمن حسابداری ایران
مجلۀ دانش حسابداری
دورۀ نهم، شمارۀ ۴
زمستان ۱۳۹۷، پیاپی ۳۵
صص. ۱۸۵ تا ۲۱۵

تأثیر شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی

دکتر رضا طاهری عابد*
دکتر مهدی علی‌نژاد ساروکلائی**
دکتر خسرو فغانی ماکرانی***

چکیده

هدف: ویژگی‌های فردی مدیران عامل از جمله شهرت و امنیت شغلی، می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار دهد و به موجب آن، شفافیت گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار گیرد. در این تحقیق به بررسی تأثیر شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به محدودیت‌های تحقیق، ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دورۀ زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: برای اندازه‌گیری متغیر شهرت از پوشش رسانه‌ای مدیران عامل و متغیر امنیت شغلی مدیران عامل از دو شاخص ضریب نوسان‌پذیری فروش و دورۀ تصدی مدیران عامل و همچنین جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی از معیار چند بُعدی که دامنۀ وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد، استفاده گردیده است. منبع جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، صورت‌های مالی، گزارش‌های فعالیت هیئت مدیره و حسابرس مستقل، و همچنین خبرگزاری وابسته

* استادیار حسابداری، مؤسسۀ آموزش عالی طبری، بابل، مازندران، ایران.
** استادیار حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
*** دانشیار حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
نویسندۀ مسئول مقاله: مهدی علی‌نژاد ساروکلائی (Email: mehdi12may@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۹
DOI: 10.22103/jak.2018.11902.2661

www.SID.ir

Archive of SID

به سازمان بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش به‌دلیل کنترل‌شدن اثرات سال و صنعت، برازش مدل به‌صورت مقطعی انجام شده، و سپس برای آزمون فرضیه‌ها از روش خطاهای استاندارد مقاوم استفاده گردیده است.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که شهرت مدیران عامل، اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. همچنین بین متغیرهای ضریب نوسان‌پذیری فروش و دورهٔ تصدی مدیران عامل به‌عنوان شاخص‌های امنیت شغلی و شفافیت گزارشگری مالی، ارتباط مثبت مشاهده شد، ولی این رابطه معنادار نگردیده است. در نهایت، نتایج تحقیق نشان داد که شهرت و امنیت شغلی (ضریب نوسان‌پذیری فروش) به صورت همزمان اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارند.

نتیجه‌گیری: بر طبق نتایج پژوهش، به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی شفافیت گزارش‌های مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به شهرت مدیران عامل و در صورت لزوم به‌طور همزمان به دو مقوله شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل توجه نمایند.

واژه‌های کلیدی: ***پوشش رسانه‌ای، ضریب نوسان‌پذیری فروش، دورهٔ تصدی مدیران عامل، شفافیت گزارشگری مالی.***

مقدمه

بورس اوراق بهادار به‌عنوان مکانی برای شکل‌دهی جریان تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، نقش عمده‌ای را در افزایش تولید کشور دارا و از این طریق در راستای پیشرفت کشور از اهمیتی حیاتی برخوردار است. اما مسئلهٔ مهم در این زمینه، شکل‌دهی درست این جریان توسط نیروهای موجود در بازار است که این خود منوط به آن است که پروژه‌هایی با حداکثر بازده توسط سرمایه‌گذاران شناسایی گردد. تصمیم‌گیری برای شناسایی چنین پروژه‌هایی همواره مستلزم استفاده از اطلاعاتی قابل اتکاء و مربوط به‌منظور استفاده در الگوهای تصمیم‌گیری است. برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بازار سرمایه، این اطلاعات تنها زمانی مؤثر هستند که دارای کیفیت باشند. زمانی‌که بازارهای سرمایه در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیدند، ورشکستگی و رسوائی پاره‌ای

www.SID.ir

Archive of SID

از شرکت‌ها به‌تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به مسئولیت گزارش‌دهی اطلاعات ضعیف کرد و موضوع اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات گزارش شده مطرح شد. لذا، این مسئله سبب شد که شفافیت اطلاعات در فرآیند گزارشگری مالی، مورد توجه عمیق مجامع حرفه‌ای قرار گیرد (صمدی لرگانی و آراد، ۱۳۹۱).

یکی از موارد تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها، ویژگی‌های فردی مدیران عامل از جمله شهرت و امنیت شغلی است که رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار می‌دهد. امنیت شغلی، احتمال این است که شخص بتواند خود را حفظ کند و احتمال بیکارشدن شخص بسیار پایین باشد. این مهم وابسته به فاکتورهای اقتصادی، موقعیت تجاری و مهارت‌های شخصی فرد شاغل است.

امنیت شغلی مدیران، حاصل تصویر مطلوب از عملکرد شرکت در دورهٔ جاری و دوره‌های آتی است. بسیاری از مدیران در صورت عدم موفقیت با مخاطرهٔ برکناری از کار مواجه‌اند و به‌همین دلیل دست به تحریف در صورت‌های مالی می‌زنند تا بتوانند امنیت شغلی خود را تأمین نمایند. همچنین، شهرت در ارتباط با موفقیت نسبی در برآورده ساختن انتظارات ذی‌نفعان متعدّد بوده، قادر به نشان دادن اقدامات مدیر در گذشته و پیش‌بینی رفتار آیندهٔ او است. از آنجا که عملکرد نامناسب مدیران عامل مشهور باعث از دست‌رفتن اعتبار و حقوق و دستمزد آینده، و همچنین تضعیف موقعیت آنها می‌گردد، در نتیجه انتظار می‌رود مدیران عامل با مداخله در گزارشگری مالی نادرست از وقوع چنین مسائلی جلوگیری نمایند. بر این اساس، هدف از اجرای این پژوهش، بررسی تأثیر شهرت و امنیت شغلی مدیرعامل بر شفافیت گزارشگری مالی است. از آنجا که تاکنون پژوهشی در زمینهٔ ارتباط بین شهرت و امنیت شغلی مدیرعامل با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح داخلی و بین‌المللی انجام نشده و همچنین مفهوم شهرت مدیرعامل در هیچ پژوهش داخلی مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا بررسی این موضوع حائز اهمیت بوده و نتایج این پژوهش می‌تواند برای پژوهشگران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی مفید واقع گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

مبانی‌نظری و مروری بر پیشینهٔ پژوهش

شهرت مدیران

مدیران عامل به شهرت و اعتبار خود علاقه‌مند هستند. مدیران عامل سعی می‌کنند در فعالیت‌های مربوطه عملکرد مناسبی از خود نشان دهند تا بدین ترتیب برای خود اعتبار بیافزایند. پس از آنکه مدیرعامل به شهرت و اعتبار دست یافت، سعی در حفظ شهرت خود دارد. بنابراین، عامل شهرت بر نوع رفتار مدیران تأثیرگذار است. در تشریح ارتباط بین شهرت مدیرعامل و کیفیت گزارشگری مالی سه دیدگاه اقتصادی مطرح است؛ یعنی نظریه‌های قرارداد کارآ، رانت موقعیتی[۱] و تطبیق مدیران با شرکت‌ها. نظریهٔ اقتصادی نشان می‌دهد که مدیران با شهرت قابل توجه، تمایل ندارند خودشان را در معرض رفتارهای فرصت‌طلبانه قرار دهند (کرپس و همکاران[۲]، ۱۹۸۲). دیدگاه قرارداد کارآ، پیش‌بینی می‌کند به دو دلیل مدیران عامل مشهور، کمتر احتمال دارد اقداماتی را اتخاذ کنند که منجر به کیفیت گزارشگری مالی ضعیف گردد. اول، مدیران عامل مشهور در مقایسه با مدیران عامل غیرمشهور، اگر روش افشا و حسابداری را انتخاب کنند که منجر به کیفیت گزارشگری مالی ضعیف‌تر گردد، سرمایهٔ انسانی بیشتری را از دست می‌دهند. به‌عبارت دیگر، مدیران عامل مشهورتر در مقایسه با مدیران عامل با شهرت کمتر، به احتمال بیشتر کیفیت گزارشگری مالی بهتری دارند، زیرا اگر مرتباً از اختیار گزارشگری استفاده نمایند تا وضعیت اقتصادی و عملکرد شرکت را مطلوب‌تر به تصویر بکشند، اعتبار و حقوق و دستمزد آینده خود را از دست می‌دهند. دوم، مطالعات گذشته نشان می‌دهند، مدیران عامل مشهور از اقداماتی که منجر به افزایش هزینه سرمایه شرکت می‌شود اجتناب می‌کنند.

از آنجا که کاهش کیفیت گزارشگری مالی باعث افزایش هزینهٔ سرمایه برای شرکت می‌گردد (فرانسیس و همکاران[۳]، ۲۰۰۵)، انتظار بر این است که بازار کار با کاهش دستمزد آتی مدیرعامل، این افزایش در هزینهٔ سرمایه شرکت را جبران نماید. از این رو، فرضیهٔ قرارداد کارآ پیش‌بینی می‌کند که شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل مشهور مدیریت می‌شوند، کیفیت گزارشگری مالی بهتری دارند. در مقابل، دیدگاه رانت موقعیتی استدلال

www.SID.ir

Archive of SID

می‌کند که یکی از نتایج مدیرعامل مشهور بودن، این است که سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران انتظار دارند که عملکرد شرکت در آینده افزایش یابد. اگر مدیران عامل از شهرت خود برای رانت موقعیتی از شرکت‌ها استفاده نموده و به ارتقاء شغلی خود بیشتر تأکید کنند و به همین دلیل از ادارهٔ مؤثر شرکت باز بمانند، آنها ممکن است دشوار باشد که انتظارات تحلیل‌گران را برآورده یا از آن فراتر بروند.

از آنجایی‌که عملکرد ضعیف شرکت، شهرت مدیران عامل را آسیب رسانده و همچنین احتمالاً این ناکارآمدی موقعیت مدیرعامل را تضعیف می‌کند، انتظار بر این است مدیران عامل مشهور در مقایسه با مدیران عامل غیرمشهور، دستکاری بیشتری در سود داشته باشند (مالمینجر و تیت[۴]، ۲۰۰۹). بنابراین، فرضیهٔ رانت موقعیتی، رابطهٔ معکوسی را در مقایسه با فرضیهٔ قرارداد کارآ پیش‌بینی می‌کند؛ یعنی شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل مشهور اداره می‌شوند، کیفیت گزارشگری مالی ضعیف‌تری را تجربه می‌کنند. همچنین استدلال تطبیق براساس این مفهوم است که مدیران عامل توسط هیئت مدیره انتخاب می‌شوند، یعنی آنها به‌طور تصادفی به شرکت‌ها تخصیص داده نمی‌شوند، بلکه شرکت‌ها احتمالاً مدیران عامل را با ویژگی‌های خاص براساس نیازهای شرکت انتخاب می‌کنند. معیارهای انتخاب مورد استفاده توسط هیئت مدیره شامل بسیاری از عوامل، از جمله شهرت فعلی مدیرعامل و عوامل خاص شرکت است (جوز و همکاران[۵]، ۲۰۰۳). از لحاظ کیفیت گزارشگری مالی، انتظار بر این است که شرکت‌هایی با کیفیت گزارشگری مالی ذاتی ضعیف، مدیران عامل مشهور را استخدام کنند، زیرا آنها با استعدادتر و با مهارت بیشتر بوده و بهتر می‌توانند این شرکت‌ها را مدیریت کنند (راسن[۶]، ۱۹۹۰). بنابراین، فرضیه همانند رانت موقعیتی به این صورت است که مدیران عامل مشهورتر با شرکت‌هایی با کیفیت گزارشگری مالی پایین در ارتباط هستند، امّا استدلال و مبانی‌نظری آن متفاوت است.

امنیت شغلی مدیران

یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی کاری مدیران سازمان‌ها، امنیت شغلی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی همانند عوامل شغلی، سازمانی و محیطی است. امنیت

www.SID.ir

Archive of SID

شغلی، احتمال این است که شخص بتواند خود را حفظ کند و احتمال بیکارشدن شخص بسیار پایین باشد. این مهم، وابسته به فاکتورهای اقتصادی، موقعیت تجاری و مهارت‌های شخصی فرد شاغل است. امنیت شغلی جنبهٔ ذهنی و روانی دارد، یعنی احساس و ادارک فرد است که امنیت شغلی را برای او رقم می‌زند و می‌تواند در سازمان‌ها، افکار و ذهن مدیران را به خود مشغول نماید (محرابی و گلناری، ۱۳۹۴). همچنین، امنیت شغلی یکی از عوامل مهمّی است که بر نتایج کاری مدیران، و نیز بر وضعیت احساسی و فیزیکی مؤثر، رضایت شغلی و تعهد سازمانی اثرگذار باشد (پورکیانی و همکاران، ۱۳۹۲).

بر اساس تعاریف یادشده، احساس امنیت شغلی به حالتی گفته می‌شود که برآیند ارزیابی فرد از شرایط فردی، سازمانی و محیطی، او را به این نتیجه هدایت می‌کند که عامل خاصی امنیت شغلی وی را تهدید نمی‌کند و او می‌تواند در حال حاضر و در آینده به تداوم اشتغال خود اطمینان داشته باشد و معمولاً تا زمان بازنشستگی ادامه می‌یابد. امنیت شغلی موافق چرخهٔ تجاری عمل می‌کند، به این صورت که در رونق اقتصادی افزایش می‌یابد و در رکودها کاهش خواهد داشت. امنیت شغلی بسیار زیاد و بسیار کم منجر به عملکرد ضعیف و غیرمولّد است و حدّی از امنیت شغلی مولد و مناسب خواهد بود که به افزایش عملکرد کمک نماید (اعرابی، ۱۳۸۰). مطالعات گذشته نشان می‌دهند که مدیران به‌دلیل انگیزه‌های مدیریتی از جمله امنیت شغلی، تمایلی به گزارش کاهش سود فصلی و یا زیان ندارند و ترجیح می‌دهند که از گزارش کاهش سود اجتناب کنند (فان و همکاران[۷]، ۲۰۱۰)، چون این امر جایگاه آنها را به خطر می‌اندازد و احتمال برکناری آنها را افزایش می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های چارفدین و بوئین[۸] (۲۰۱۲) نیز هم‌سو است. آنها دریافتند، مدیران به‌منظور افزایش دورهٔ تصدی‌شان، سود را مدیریت می‌نمایند. دلیل اصلی انگیزهٔ مدیران برای مدیریت سود را می‌توان در قالب تئوری نمایندگی مورد بررسی قرار داد.

از آنجایی که امنیت شغلی مدیران، حاصل تصویر مطلوب از عملکرد شرکت در دورهٔ جاری و دوره‌های آتی است، بسیاری از مدیران در صورت عدم موفقیت با مخاطرهٔ

www.SID.ir

Archive of SID

برکناری از کار مواجه‌اند و به‌همین دلیل دست به مدیریت سود می‌زنند. در این شرکت‌ها مدیریت سود به تبع افزایش عدم امینت شغلی افزایش خواهد یافت. چون: اولاً، مدیران نگران منافع پولی و غیرپولی‌شان هستند و برکناری از کار به معنی از دست‌دادن منافع حاصل از شرکت است. ثانیاً، سهامداران شرکت منتظر مشوق‌های بلندمدت شرکت نخواهند ماند؛ بنابراین نتیجهٔ عملکرد ضعیف دورهٔ جاری ممکن است با برکناری مدیر همراه باشد. ثالثاً، در ارزیابی مدیران، سودهای جاری از سودهای حاصل‌شدهٔ گذشته بسیار مهم‌تر است. همچنین طبق تحقیق گوردون و همکاران[۹] (۱۹۶۶)، امنیت شغلی یکی از انگیزه‌های مدیریت سود توسط مدیران است.

استدلال آنها این بود، امنیت شغلی، درآمد و رفاه مدیریت شرکت بستگی به رضایت سهامداران دارد و رضایت سهامداران در گرو عملکرد مطلوب مدیران و شرکت و همچنین افزایش در نرخ رشد سود شرکت است. از این‌رو، مدیران برای این منظور، دست به مدیریت سود و تحریف در صورت‌های مالی زده، تا بتوانند امنیت شغلی و رفاه و مطلوبیت خود را تأمین نمایند. استدلال هم‌سو با مطالب پیش‌گفته، در تحقیق واتس و زیمرمن[۱۰] (۱۹۸۶) نیز اشاره شده است. آنها عنوان می‌کنند که اگر شرکت‌ها عملکرد ضعیفی از لحاظ سود گزارش شده داشته باشند و قیمت سهام آنها سقوط کند، خطرات جدّی، امنیت شغلی مدیریت را تهدید می‌کند و در نهایت ممکن است سهامداران بخواهند ترکیب هیئت مدیره و مدیریت اجرایی را تغییر دهند. در نتیجه مدیران برای اینکه بخواهند خطر و تهدید مربوط به امنیت شغلی را از خود دور نمایند و عملکردشان را مناسب جلوه دهند، مداخله در گزارشگری نادرست را انجام داده، که این امر منجر به کاهش کیفیت و شفافیت در گزارش‌های مالی می‌گردد.

شفافیت گزارشگری مالی

شفافیت، هستهٔ مرکزی گزارشگری مالی مدرن است که به استفاده‌کنندگان در شناخت واحد تجاری کمک می‌کند. تحقیقات پیشین (مانند لنگ و میفیت[۱۱]، ۲۰۱۱) نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب جذّابیت شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران

www.SID.ir

Archive of SID

می‌شود، شفافیت است. گرچه شفافیت به‌عنوان ویژگی مطلوب گزارش‌های مالی عنوان گردیده است، اما تعریف جامعی که مورد پذیرش عموم باشد، از آن ارائه نشده است. بوشمن و همکاران[۱۲] (۲۰۰۴) شفافیت گزارشگری مالی را به‌عنوان: «دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند» تعریف کرده‌اند. از دیدگاه بارث و اسچیپر[۱۳] (۲۰۰۸) شفافیت گزارشگری مالی به این معنا است که «گزارش‌های مالی واحد تجاری، واقعیت‌های اقتصادی واحد تجاری را به شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قابل درک باشند، ارائه کنند».

شفافیت شرکت، اصطلاحی است که توسط افراد مختلف به‌گونهٔ متفاوتی تفسیر می‌گردد. عده‌ای از آن به‌عنوان مفهوم واحدی مانند اقلام افشاءشده در گزارش فعالیت سالیانه تعبیر می‌کنند (سنگوپتا[۱۴]، ۱۹۹۸). عده‌ای معتقدند، شفافیت به‌معنای انتشار اطلاعات از کانالی به‌غیر از صورت‌های مالی و یا گزارش فعالیت سالیانه مانند کانال مطبوعات است (گرنون و میک[۱۵]، ۱۹۹۷)، اما برخی نیز بر دیدگاه جامع مبتنی بر محیط اطلاعاتی شرکت تأکید می‌کنند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴). حجم وسیعی از تحقیقات که به‌دنبال معیاری برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی بوده‌اند، این واقعیت را دریافتند که شفافیت ویژگی چند بُعدی محیط اطلاعاتی شرکت است که به‌صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست و بنابراین در جستجوی شاخص‌هایی بودند تا با سازه‌های تئوریک مرتبط باشند.

جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک بُعدی و یا چند بُعدی استفاده شود، اما از آنجایی که معیارهای تک بُعدی، سازه‌هایی هستند که شفافیت را با خطا اندازه‌گیری می‌کنند (دبوکسی و گیلت[۱۶]، ۲۰۱۳)، بسیاری از تحقیقات مانند پژوهش بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) معیارهای جامعی از شفافیت طراحی کرده‌اند که ابعاد مختلف شفافیت گزارشگری مالی را می‌سنجند. با توجه به این موضوع که تمامی

www.SID.ir

Archive of SID

معیارهای تک بُعدی، شاخص‌های غیرمستقیم و به احتمال زیاد مستقل شفافیت گزارشگری مالی هستند، معیارهای چند بُعدی موجب افزایش توان تشریحی آزمون‌ها می‌گردند.

پیشینهٔ پژوهش

وی و همکاران[۱۷] (۲۰۱۸)، در پژوهشی نقش ویژگی‌های مدیرعامل را در فعالیت‌های بشردوستانه شرکتی مورد بررسی قرار دادند. فعالیت بشردوستانه به کمک مالی شرکت‌ها در واکنش به زلزله ونچوان در سال ۲۰۰۸ اطلاق شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت شهرت مدیرعامل شرکت باعث می‌شود که کمک‌های بشردوستانه بیشتر، امّا کندتر انجام گیرد. یافته‌های در مورد تأثیر مثبت شهرت مدیرعامل شرکت بر میزان کمک‌های مالی و تأثیر منفی آن بر سرعت اهداء، نشان می‌دهد که بشردوستی شرکت تا حدّی توسط مدیران عامل هدایت می‌شود تا تصاویر اجتماعی خود را در میان ذی‌نفعان حفظ نمایند.

سول[۱۸] (۲۰۱۷)، در تحقیقی به بررسی تأثیر امنیت شغلی مدیران بر مدیریت سود پرداخت. نتایج نشان می‌دهد وقتی‌که قوانینی در جهت افزایش نظارت بر شرکت تصویب و اعمال می‌شود، مدیران عاملی که احتمال خطر فسخ قرارداد بیشتری را برای خود می‌بینند و تعویض و برکناری خود را پیش‌بینی می‌نمایند؛ به‌دلیل افزایش نگرانی در امنیت شغلی خود، به مدیریت سود بیشتر و عدم شفافیت در گزارشگری مالی روی می‌آورند. ونگ و چن[۱۹] (۲۰۱۷)، در مطالعهٔ خود اثر شهرت شرکتی و شهرت مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چند هم شهرت مدیران عامل و هم شهرت شرکت تأثیر جداگانه بر عملکرد مالی شرکت دارند، تأثیر شهرت مدیران عامل در طی دوره‌های زمانی متفاوت، باثبات‌تر و در میان صنایع مختلف، جامع‌تر است و این به‌معنای آن است که شهرت مدیرعامل برای عملکرد شرکت مهم‌تر است.

چو و همکاران[۲۰] (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان شهرت برای شکستن انتظارات تحلیل‌گران و منحرف‌شدن برای دستکاری سود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های نمونه

www.SID.ir

Archive of SID

به‌طور مداوم، پیش‌بینی‌های سود سه‌ماهه تحلیل‌گران را در سه سال قبل از دورهٔ دستکاری مورد نقض قرار می‌دهند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که فشار برای حفظ شهرت برای رسیدن به انتظارات تحلیل‌گران می‌تواند حسابداری تهاجمی و در نهایت، دستکاری سودها را تشویق نماید. زواری و همکاران[۲۱] (۲۰۱۲)، شواهدی را به دست آوردند که نشان می‌دهد یک رابطهٔ مثبت معنادار بین ویژگی‌های مدیرعامل و مدیریت سود وجود دارد. آنها دریافتند که مدیران عامل مشهور به‌خوبی پاداش می‌گیرند و نسبت به دیگر مدیران عامل، ترس بیشتری دارند که پاداش خود را از دست بدهند. بنابراین، دارای انگیزه می‌شوند که با دستکاری صورت‌های مالی، سود شرکت را افزایش دهند.

چارفدین و بوئین (۲۰۱۲)، به بررسی اینکه چگونه امنیت شغلی مدیرعامل بر هموارسازی سود تأثیر می‌گذارد پرداختند. در پژوهش فوق برای اندازه‌گیری امنیت شغلی از پروکسی سن و دورهٔ تصدی مدیران عامل استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر امنیت شغلی مدیران عامل بر هموارسازی سود مثبت و معنادار است. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) مطالعه‌ای را تحت عنوان شهرت مدیران عامل و کیفیت سود انجام دادند. آنها پس از بررسی‌های آماری مطابق انتظارشان به رابطهٔ معکوس بین شهرت مدیرعامل و کیفیت سود دست یافتند. آنها نتیجهٔ پژوهش خود را این‌گونه توجیه کردند که مدیران با شهرت بیشتر توسط شرکت‌هایی استخدام می‌شوند که نسبت به سایر شرکت‌ها با مشکلات بیشتری دست به گریبان هستند و کیفیت سود آنها به‌صورت بالقوه پایین است.

خسروی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با بررسی تأثیر امنیت شغلی مدیرعامل بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که بین امنیت شغلی مدیرعامل شرکت با هموارسازی سود، رابطهٔ معناداری به‌صورت معکوس وجود دارد. مهام و بک محمدی (۱۳۹۴)، در تحقیق خود به بررسی رابطهٔ مدیریت سود عملکرد جاری و عملکرد آتی امنیت شغلی مدیرعامل در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین مدیریت سود و دورهٔ

www.SID.ir

Archive of SID

تصدی مدیرعامل، رابطهٔ معناداری وجود دارد. همچنین بین مدیریت سود و عملکرد جاری و آتی شرکت‌ها نیز رابطهٔ معناداری وجود دارد. در نتیجه وجود رابطه بین مدیریت سود با افزایش امنیت شغلی مدیرعامل تأیید شد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پیش‌گفته، فرضیه‌های این تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیهٔ اول: شهرت مدیران عامل اثر معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

فرضیهٔ دوم: امنیت شغلی مدیران عامل، اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

فرضیهٔ سوم: شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل به‌صورت همزمان اثر معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع نیمه‌تجربی در حوزهٔ تحقیقات توصیفی رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌ها است. برای انجام این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان جامعهٔ آماری در نظر گرفته شده است که با توجه به شرایط فوق همگن شده است: ۱. شرکت‌های مورد نظر باید در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند و نام آنها در تابلوی قیمت سهام درج شده باشد. این شرکت‌ها باید تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس باشند. ۲. سال مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند ماه باشد. ۳. این شرکت‌ها نباید در طول دورهٔ زمانی تحقیق (۱۳۹۵-۱۳۸۹) پایان سال مالی خود را تغییر داده باشند. ۴. شرکت جزو بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشند. با توجه به شرایط فوق، تعداد ۱۱۰ شرکت برای آزمون فرضیه‌های تحقیق در نظر گرفته شدند. در این پژوهش به‌دلیل کنترل‌شدن اثرات سال و صنعت، برازش الگو به‌صورت مقطعی انجام شده، و سپس برای بررسی داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) استفاده می‌گردد. اطلاعات

www.SID.ir

Archive of SID

و داده‌های مورد نیاز شرکت‌ها از طریق سایت‌های کدال و شرکت مدیریت فناوری بورس تهران گردآوری شده است.

الگوی آزمون فرضیه‌ها و نحوهٔ اندازه‌گیری متغیرها

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از الگوهای زیر استفاده شده است:

الگوی فرضیهٔ اول:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Reput_{i.t} + \propto_2 Owner_{i.t} + \propto_3 Size_{i.t} + \propto_4 BTM_{i.t} + \propto_5 FAge_{i.t} + \propto_6 AuditQual_{i.t} + \propto_7 SaleGr_{i.t} + \sum_{k=8}^{14} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=15}^{20} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad (۱)$$

الگوی فرضیهٔ دوم:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Rvol_{i.t} + \propto_2 Tenure_{i.t} + \propto_3 Owner_{i.t} + \propto_4 Size_{i.t} + \propto_5 BTM_{i.t} + \propto_6 FAge_{i.t} + \propto_7 AuditQual_{i.t} + \propto_8 SaleGr_{i.t} + \sum_{k=9}^{15} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=16}^{21} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad (۲)$$

الگوی فرضیهٔ سوم:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Reput_{i.t} + \propto_2 Rvol_{i.t} + \propto_3 Tenure_{i.t} + \propto_4 Reput_{i.t} * Rvol_{i.t} + \propto_5 Reput_{i.t} * Tenure_{i.t} + \propto_6 Owner_{i.t} + \propto_7 Size_{i.t} + \propto_8 BTM_{i.t} + \propto_9 FAge_{i.t} + \propto_{10} AuditQual_{i.t} + \propto_{11} SaleGr_{i.t} + \sum_{k=12}^{18} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=19}^{24} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad (۳)$$

تعریف عملیاتی متغیرهای موجود در سه الگو فوق به شرح زیر است:

متغیر وابسته پژوهش

$Trans_{i,t}$: برابر است با شفافیت گزارشگری مالی. در این پژوهش به پیروی از بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) برای سنجش شفافیت گزارشگری مالی از الگوی چند بُعدی که توسط یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳) مطابق با شرایط محیطی ایران بومی‌سازی شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی، ابتدا هر یک از معیارهای شفافیت به‌صورت جداگانه محاسبه می‌گردد. سپس داده‌های حاصل از نظر

www.SID.ir

Archive of SID

کارشناسان و خبرگان را جمع‌آوری کرده و با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی(AHP)، تجزیه‌وتحلیل و وزن‌دهی هر یک از معیارهای شفافیت انجام می‌شود. در نهایت تمامی معیارها تجمیع گردیده و تحت عنوان شفافیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است، تکنیک تحلیل سلسله مراتبی یکی از روش‌های پرکاربرد برای رتبه‌بندی و تعیین اهمیت عوامل است که با استفاده از مقایسات زوجی گزینه‌ها به اولویت‌بندی هر یک از معیارها می‌پردازد. شفافیت گزارشگری مالی طبق معیارهای واقع در جدول شمارهٔ ۱ اندازه‌گیری می‌گردد. در ادامه به نحوهٔ اندازه‌گیری هر یک از معیارهای شفافیت گزارشگری مالی پرداخته می‌شود.

جدول شمارهٔ ۱. الگوی پیشنهادی سنجش شفافیت گزارشگری مالی

معیارهای گزارشگری شرکت	معیارهای کسب اطلاعات خصوصی
مالی (۲۵ شاخص) راهبری شرکتی (۹ شاخص) ریسک‌ها و فرصت‌های رشد شرکت (۱ شاخص) به موقع بودن (۱ شاخص) قابلیت اعتماد حسابرس (۱ شاخص) کیفیت سود (۱ شاخص) معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران (۱ شاخص)	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران (۱ شاخص) میزان تأمین منابع از محل بدهی (۱ شاخص)

منبع: یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳)

شفافیت گزاشگری مالی در این پژوهش، به چهار عامل تفکیک می‌گردد. معیارهای مالی، راهبری شرکتی و ریسک نخستین عامل شفافیت را می‌سازند که از آن با عنوان اطلاعات افشاءشده به عموم یاد خواهد شد و بُعدی از شفافیت شرکت را معرفی می‌کند که بر مبنای آن، اطلاعاتی در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک به عموم افشاء می‌شود. این عامل بر مقدار اطلاعات افشاءشده به عموم متمرکز بوده و کیفیت افشاء را مدنظر قرار نمی‌دهد. اندازه‌گیری این ابعاد مبتنی بر پاسخ به سی‌وپنج سؤال است که در جدول شمارهٔ ۲ به آن اشاره شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شمارهٔ ۲. مقدار اطلاعات افشاءشده به عموم

ردیف	معیارها	ردیف	معیارها
۱	چشم‌انداز و مأموریت شرکت	۱۹	ساختار مالکیت شرکت‌های وابسته
۲	استراتژی‌های شرکت	۲۰	افشای معاملات با اشخاص وابسته
۳	توصیف نوع کسب‌وکار شرکت	۲۱	افشای نام مؤسسهٔ حسابرسی
۴	روند تغییر صنعت	۲۲	افشای گزارش حسابرس اطلاعات
۵	بخش‌های تجاری به تفکیک خطوط	۲۳	افشای حق‌الزحمهٔ حسابرسان
۶	گزارش سهم بازار شرکت	۲۴	حق‌الزحمهٔ خدمات غیرحسابرسی
۷	مقدار فیزیکی محصولات	۲۵	افشای اطلاعات عمومی شرکت
۸	مشخصات دارایی‌های شرکت	۲۶	توضیحات انواع سهام و سهامداران
۹	افشای شاخص‌های کارایی	۲۷	اطلاعات در مورد سهامداران عمده
۱۰	طرح‌های سرمایه‌گذاری سال آتی	۲۸	ترکیب و ساختار هیئت مدیره
۱۱	نقش کلیدی ذی‌نفعان	۲۹	تعداد جلسات هیئت مدیره
۱۲	انتشار گزارش‌های میان دوره‌ای	۳۰	مسائلی در صلاحیت هیئت مدیره
۱۳	رویه‌ها و استانداردهای حسابداری	۳۱	پیگیری تصمیمات هیئت مدیره
۱۴	آگاهی از رویهٔ ارزیابی دارایی‌ها	۳۲	فهرست کمیته و اعضای هیئت مدیره
۱۵	گزارش استهلاک دارایی‌های ثابت	۳۳	جبران خدمات اعضای هیئت مدیره
۱۶	تهیهٔ صورت‌های مالی تلفیقی	۳۴	جبران خدمات مدیران و کارمندان
۱۷	ارزیابی کیفیت گزارش هیئت مدیره	۳۵	انواع ریسک مرتبط با شرکت
۱۸	بندهای شرط مرتبط با عدم‌اطمینان	–	–

منبع: یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳)

دومین عامل شفافیت که عامل کیفیت اطلاعات نامیده می‌شود، مشتمل بر کیفیت سود و صحت پیش‌بینی سود مدیران است و به کیفیت افشای اطلاعات مالی می‌پردازد. این عامل به‌صورت معمول، مکمل عامل اول است. به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت سود از قدرمطلق باقیمانده الگوی تعدیل‌شدهٔ جونز طبق ساختار الگوی ۴ استفاده می‌شود:

$$\frac{TAC_{i.t}}{TA_{i.t-1}} = a_0\left(\frac{1}{TA_{i.t-1}}\right) + a_1\left(\frac{\Delta REV_{i.t} - \Delta REC_{i.t}}{TA_{i.t-1}}\right) + a_2\left(\frac{PPE_{i.t}}{TA_{i.t-1}}\right) + \varepsilon_{i.t} \qquad (۴)$$

$TAC_{i,t}$: برابر است با سود خالص منهای جریان نقد عملیاتی. با توجه به اینکه الگوی جونز تعدیل‌شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی تنظیم شده است، باید به بخش

www.SID.ir

Archive of SID

فعالیت‌های عملیاتی صورت جریان وجه نقد ایران، بخش بازده سرمایه‌گذاری‌ها و سود پرداختی بابت تأمین مالی بجز سود سهام پرداختی و بخش مالیات بر درآمد را اضافه نمود.

$TC_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های سال قبل.

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد شرکت نسبت به سال قبل.

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در خالص حساب‌های دریافتنی نسبت به سال قبل.

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات.

$\varepsilon_{i.t}$: باقیماندهٔ الگو است.

جهت سنجش معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران، شاخص‌های ذیل محاسبه می‌شوند: شاخص اولیهٔ صحت پیش‌بینی، قدرمطلق اشتباه پیش‌بینی که در عدد ۱- ضرب شده و با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. اشتباه پیش‌بینی برابر است با میانگین پیش‌بینی سالیانه مدیران منهای سود واقعی. شاخص سوگیری، مقدار اشتباه پیش‌بینی که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. شاخص سود غیرمنتظره (سود هر سهم منهای سود هر سهم در سال مالی قبل) که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. سپس شاخصی به‌نام صحت پیش‌بینی سود مدیران محاسبه می‌شود که برابر است با مقدار باقی‌مانده رگرسیون متغیر شاخص اولیه صحت پیش‌بینی بر روی متغیرهای شاخص سوگیری و شاخص سود غیرمنتظره. تنها متغیر مؤثر بر عامل سوم، میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی است و نشانگر قدرت این دسته از سرمایه‌گذاران در دستیابی به اطلاعات موردنظر آنهاست که عموماً مازاد بر اطلاعاتی است که به عموم افشاء است. این متغیر، اطلاعات محرمانه نامیده می‌شود و برابر با میزان مالکیت سهام شرکت توسط شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه است.

www.SID.ir

Archive of SID

متغیر به‌موقع بودن افشاء، برابر است با تفاوت بین پایان سال مالی شرکت و تاریخی که شرکت‌ها برای اولین بار، سود سال مالی خود را در سایت‌های متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار گزارش کرده‌اند. قابلیت اعتماد حسابرس برابر است با امتیاز کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی که توسط جامعهٔ حسابداران رسمی ایران ارائه می‌شود که در این پژوهش برای مؤسسات حسابرسی رتبهٔ الف، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر در نظر گرفته می‌شود. میزان تأمین منابع شرکت از محل بدهی مساوی است با نسبت بدهی‌های بلندمدت بر مجموع دارایی‌ها. این سه متغیر، عامل چهارم شفافیت را شکل می‌دهند.

متغیرهای مستقل پژوهش

$Reput_{i,t}$: ونگ و چن (۲۰۱۷) در پژوهش خود بیان کردند، مدیران عاملی که اغلب در رسانه‌های عمومی و یا روزنامه‌ها به آنها اشاره می‌شوند، نسبت به کسانی که کم‌تر از آنها نامی برده شده، شهرت شخصی بهتری دارند. آنها پوشش رسانه‌ای که در ۶ روزنامهٔ مهم کشور تایوان از مدیران عامل به‌عمل آمده را به‌عنوان مبنایی برای اندازه‌گیری شهرت مدیران عامل استفاده نمودند. همچنین در تحقیق میلبورن[۲۲] (۲۰۰۳) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸)، از تعداد اخباری که رسانه‌ها (یعنی روزنامه‌های مهم تجارت جهانی و آمریکا که از طریق جستجو در پایگاه داده داو جونز شناسایی می‌شود) در سال‌های گذشته، در ارتباط با یک مدیرعامل خاص را منتشر می‌کنند، برای اندازه‌گیری شهرت مدیران عامل استفاده کردند؛ استدلال این بود که هر چه گزارش‌های خبری مربوط به یک مدیرعامل بیشتر باشد، شهرت مدیرعامل بهتر خواهد بود. در این پژوهش همانند پژوهش‌های گذشته، برای اندازه‌گیری شهرت مدیران عامل از پروکسی میزان پوشش آنها توسط رسانه‌ها به شرح زیر استفاده شده است:

شهرت مدیران عامل= لگاریتم طبیعی (عدد یک به‌علاوه تعداد دفعاتی که در خبرگزاری‌ها از مدیران عامل نام برده شده است)

www.SID.ir

Archive of SID

در این تحقیق، هر چقدر در خبرگزاری‌های وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار تهران از مدیران عامل بیشتر نامی برده شود، شهرت بیشتری برای آنها در نظر گرفته می‌شود. لازم به ذکر است که خبرگزاری‌های سنا، بورس نیوز، بورس پرس، دنیای اقتصاد، فارس و ایسنا از خبرگزاری‌های وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار تهران هستند، و برای جستجوی نام مدیران عامل از موتور جستجوی سایت‌های مذکور استفاده گردیده است.

در این پژوهش برای اندازه‌گیری امنیت شغلی مدیران عامل از دو شاخص زیر استفاده می‌گردد:

$Rvol_{i,t}$: در این پژوهش همانند تحقیق احمد و همکاران[۲۳] (۲۰۰۶)، برای اندازه‌گیری امنیت شغلی مدیران از شاخص قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش استفاده گردیده است. استدلال بر این است، شرکت‌هایی که نوسان فروش بیشتری را تجربه می‌کنند، عملکرد ضعیف‌تری برای مدیران آنها تصور می‌شود که این احتمال تعویض و برکناری آنها را افزایش می‌دهد. این عدم‌اطمینان محیطی منجر به کاهش امنیت شغلی برای مدیران می‌گردد. در این تحقیق برای اندازه‌گیری ضریب نوسان‌پذیری فروش از ضریب تغییرات فروش سه سال گذشته شرکت استفاده می‌گردد.

$Tenure_{i,t}$: از شاخص‌های دیگر که برای اندازه‌گیری امنیت شغلی مدیران عامل استفاده می‌گردد، دورهٔ تصدی آنها است که مورد استفاده در این پژوهش است (چارفدین و بوئین، ۲۰۱۲). استدلال این است که در ابتدای دورهٔ تصدی مدیرعامل، حتّی در شرایط بد بازار، عملکرد نامناسب شرکت به حساب آنها گذاشته می‌شود. بنابراین، مدیران عامل در ابتدای دورهٔ تصدی خود سعی می‌کنند، عملکرد مناسبی از خود نشان دهند تا به این ترتیب برای خود اعتبار بیافزایند و جایگاه خود را در شرکت محکم نمایند، و به‌همین دلیل مداخله در گزارشگری نادرست را انجام می‌دهند. با افزایش دورهٔ تصدی مدیرعامل به‌دلیل محکم‌ترشدن جایگاه آنها و در نتیجه افزایش امنیت شغلی‌شان، دستکاری در صورت‌های مالی توسط مدیران عامل کاهش می‌یابد (علی و ژانگ[۲۴]، ۲۰۱۵). دورهٔ تصدی مدیران

www.SID.ir

Archive of SID

عامل برای هر سال برابر است با لگاریتم تعداد سال‌هایی که از زمان تصدی آن به‌عنوان مدیر عامل می‌گذرد.

متغیرهای کنترلی پژوهش

$Owner_{i,t}$: برابر است با مالکیت سهام مدیرعامل که از طریق میزان مالکیت توسط خود مدیرعامل و همچنین میزان مالکیت توسط شخص حقوقی که مدیرعامل نماینده آن است، محاسبه می‌گردد (سرلک و کلوانی، ۱۳۹۴).

$Size_{i,t}$: برابر است با اندازهٔ شرکت که از طریق لگاریتم دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۲).

$BTM_{i,t}$: برابر است با ارزش دفتری تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی که هر دو در پایان سال محاسبه می‌شوند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

$Fage_{i,t}$: برابر است با سن شرکت، که لگاریتم تعداد سال‌هایی است که از زمان تأسیس شرکت می‌گذرد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۲).

$AuditQual_{i,t}$: برابر است با کیفیت حسابرسی. در این تحقیق اگر حسابرسی شرکت را سازمان حسابرسی بر عهده داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (حسنی، ۱۳۹۲).

$SaleGr_{i,t}$: برابر است با رشد فروش شرکت که از تفاوت مبلغ فروش سال جاری و سال قبل که بر فروش سال قبل تقسیم شده، به دست می‌آید (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱).

$Year_{i,t}$: برابر است با متغیر ساختگی برای کنترل اثرات سال.

$Indus_{i,t}$: برابر است با متغیر ساختگی برای کنترل اثرات صنعت.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی

در این تحقیق برای جمع‌آوری، خلاصه‌کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی از آمار توصیفی استفاده می‌شود. در جدول شمارهٔ ۳ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق ارائه شده است. شفافیت گزارشگری مالی به مقدار ۱ این مفهوم را می‌رساند که

www.SID.ir

Archive of SID

شرکت‌های مورد مطالعه از تمام جنبه‌های شفافیت یعنی مقدار و کیفیت اطلاعات که مربوط به هر دو مجرای انتشار اطلاعات عمومی و خصوصی (محرمانه) شرکت بوده، بالاترین امتیاز شفافیت را دارا هستند. نتایج جدول شمارهٔ ۳ نشان می‌دهد، حداکثر میزان شفافیت برای شرکت‌های نمونه ۰/۷۲ است که بیانگر این است هیچ یک از مشاهدات مربوط به شرکت‌های مورد بررسی، امتیاز کامل شفافیت گزارشگری مالی را کسب نکرده‌اند. علاوه بر این، حداقل میزان شفافیت گزارشگری مالی در ارتباط با مشاهدات (سال-شرکتی) به میزان ۰/۱۲ شده که نسبت به مقدار کامل شفافیت، عدد به نسبت پایینی است.

جدول شمارهٔ ۳. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شفافیت	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۷۲
شهرت	۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۰۹	۰	۰/۵۴
قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش	-۰/۲۲	-۰/۱۹	۰/۱۴	-۱/۲۹	-۰/۰۰۹
دورهٔ تصدی	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۲۷	۰	۱/۰۷
مالکیت سهام	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۲۷	۰	۰/۹۱
اندازهٔ شرکت	۶/۱۶	۶/۰۵	۰/۶۵	۴/۴۴	۸/۳۱
ارزش دفتری به بازار	۰/۵۷	۰/۴۷	۰/۶۴	-۵/۹۵	۶/۶۱
سن شرکت	۱/۵۳	۱/۵۶	۰/۱۷	۰/۷۷	۱/۸۳
رشد فروش	۰/۲۱	۰/۱۶	۰/۴۸	-۰/۶۲	۷/۷۱
متغیر موهومی			فراوانی (درصد)		
کیفیت حسابرسی			۱۹۹ (۰/۲۵)		

نتایج جدول شمارهٔ ۳ بیان می‌کند که میانگین شفافیت گزارش‌های مالی در شرکت‌های مورد مطالعه به میزان ۰/۵۱ است. همچنین، عدد حداکثری متغیر شهرت مدیران عامل به‌میزان ۰/۵۴، این مطلب را می‌رساند که مدیران عامل شرکت‌های مورد مطالعه از شهرت مورد قبولی برخوردار نیستند. این یعنی پوشش رسانه‌ای مدیران عامل شرکت‌های بورس تهران به‌صورت مناسبی انجام نمی‌شود. در ارتباط با ویژگی امنیت

www.SID.ir

Archive of SID

شغلی مدیران عامل، دو شاخص دورهٔ تصدی و قرینهٔ ضریب نوسان‌پذیری فروش استفاده گردیده که به‌ترتیب دارای میانگین‌های ۰/۳۳ و ۰/۲۲- هستند. مالکیت سهام مدیران عامل به‌عنوان دیگر ویژگی مدیران عامل، میانگین ۰/۲۳ را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، در ارتباط با ویژگی‌های شرکت، میانگین اندازهٔ شرکت ۶/۱۶، میانگین ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ۰/۵۷، میانگین سن شرکت ۱/۵۳ و همچنین میانگین رشد فروش ۰/۲۱ به دست آمده است. در نهایت، درصد فراوانی کیفیت حسابرسی ۰/۲۵ برای شرکت‌های مورد بررسی به این معنا است که ۲۵ درصد مشاهدات (سال-شرکتی) از سازمان حسابرسی برای رسیدگی به صورت‌های مالی خود بهره گرفته‌اند.

نتایج آزمون فرضیهٔ اول

فرضیهٔ اول این‌گونه مطرح شد که شهرت مدیران عامل، اثر معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. در این تحقیق بر مبنای الگوهای رگرسیونی ۱، ۲ و ۳، اثرات سال و صنعت کنترل شده و برازش الگو از نوع مقطعی خواهد بود؛ لذا نیازی به انجام آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن جهت تفکیک اثرات مشترک، ثابت و تصادفی نیست. قبل از برازش نهایی الگوی تحقیق، ابتدا پیش‌فرض‌های کلاسیک رگرسیون مانند ناهمسانی واریانس اجزای خطا، خودهمبستگی مرتبهٔ اول جملات اخلال و هم‌خطی متغیرهای توضیحی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورتی که تعداد مقاطع از دورهٔ زمانی بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که اجزای اخلال دارای ناهمسانی واریانس باشند. در جدول شمارهٔ ۴ نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبهٔ اول جملات اخلال ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۴. نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آمارهٔ آزمون	سطح معناداری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان	۵۶۰/۸۳	۰/۰۰۰	وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	ولدریج	۰/۴۱	۰/۵۴۱	عدم وجود خودهمبستگی مرتبهٔ اول

در این تحقیق بعد از کنترل اثرات سال و صنعت، برازش الگوی رگرسیونی به روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) انجام گردیده که موجب رفع مشکل ناهمسانی

www.SID.ir

Archive of SID

واریانس اجزای خطا در بازهٔ مورد بررسی می‌گردد. در این پژوهش برای بررسی هم‌خطی متغیرهای توضیحی از عامل تورم واریانس استفاده شده است. همچنان‌که در جدول شمارهٔ ۵ مشاهده می‌شود، کلیهٔ عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ است که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق است. مقدار و سطح معناداری آمارهٔ F الگو به ترتیب ۳۳۱۶/۱۱ و ۰/۰۰۰ است و بیانگر آن است که الگوی تحقیق به خوبی برازش شده و از معناداری مناسبی برخوردار است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۹۹۷ است و بیانگر آن است که ۹۹/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود.

جدول شمارهٔ ۵. نتایج تخمین الگوی فرضیهٔ اول

متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آمارهٔ t	سطح معناداری	تورم واریانس
شهرت	۱/۴۸	۰/۰۱	۱۳۰/۴۵	۰/۰۰۰	۱/۳۴
مالکیت سهام	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۱	۰/۸۷	۰/۳۸۵	۱/۱۵
اندازهٔ شرکت	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۴	۰/۴۰	۰/۶۹	۱/۴۳
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۵	۱/۶۲	۰/۱۰۹	۱/۱۳
سن شرکت	−۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	−۰/۵۹	۰/۵۵۳	۱/۱۱
کیفیت حسابرسی	−۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۶	−۰/۹۸	۰/۳۲۸	۱/۲۳
رشد فروش	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۰/۹۴	۰/۳۵۱	۱/۱۱
ضریب ثابت الگو	−۰/۱۰	۰/۰۰۶	−۱۵/۱۸	۰/۰۰۰	−
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		
ضریب تعیین			۰/۹۹۷		
آمارهٔ F الگو (سطح معناداری)			۳۳۱۶/۱۱ (۰/۰۰۰)		
مجذور میانگین مربعات خطا			۰/۰۰۵		

بر اساس نتایج جدول شمارهٔ ۵، شهرت مدیران عامل، دارای ضریب ۱/۴۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. بنابراین، همان‌طور که انتظار داشتیم ارتباط بین این متغیر و شفافیت گزارشگری مالی معنادار شده و جهت این رابطه مثبت گردیده است. در نتیجه فرضیهٔ تحقیق که رابطهٔ بین این دو متغیر را پیش‌بینی می‌کرد، تأیید می‌شود. همچنین براساس جدول شمارهٔ ۵، بین متغیرهای کنترلی مالکیت سهام مدیران عامل، اندازهٔ شرکت، نسبت

www.SID.ir

Archive of SID

ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، سن شرکت، کیفیت حسابرسی و رشد فروش با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری مشاهده نگردیده است.

نتایج آزمون فرضیهٔ دوم

فرضیهٔ دوم این‌گونه مطرح شد که امنیت شغلی مدیران عامل، اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری امنیت شغلی مدیران عامل، ۲ شاخصِ قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش و دورهٔ تصدی مدیران عامل در نظر گرفته شده است. در جدول شمارهٔ ۶، نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبهٔ اول جملات اخلال ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۶. نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آمارهٔ آزمون	سطح معناداری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان	۰/۹۷	۰/۳۲۴	عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	ولدریج	۶/۹۳	۰/۰۳۸	وجود خودهمبستگی مرتبهٔ اول

با توجه به اینکه برازش الگوی رگرسیونی به روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) انجام شد، موجب رفع مشکل خودهمبستگی مرتبهٔ اول در بازه مورد مطالعه گردید. همچنان‌که در جدول شمارهٔ ۷ مشاهده می‌شود، کلیهٔ عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ است که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق است. جدول شمارهٔ ۷، نتایج رگرسیون الگوی مربوط به فرضیهٔ دوم پژوهش را نشان می‌دهد. سطح معناداری آمارهٔ F الگو کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر آن است که الگوی تحقیق از معناداری مناسبی برخوردار است. مقدار ضریب تعیین الگوی تحقیق نشان می‌دهد که ۲۵/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود. براساس نتایج جدول شمارهٔ ۷، شاخص‌های امنیت شغلی یعنی قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش و دورهٔ تصدی مدیرعامل به‌ترتیب دارای ضرایب ۰/۰۱ و ۰/۰۰۹، و همچنین به‌ترتیب دارای سطح معناداری ۰/۶۲۷ و ۰/۶ است. بنابراین، همان‌طور که انتظار داشتیم بین این متغیرها و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت مشاهده شد، ولی این رابطه معنادار نگردیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

در نتیجه فرضیهٔ تحقیق که رابطهٔ مثبت بین این دو متغیر را پیش‌بینی می‌کرد، تأیید نمی‌شود. همچنین بین متغیرهای کنترلی اندازهٔ شرکت و کیفیت حسابرسی با شفافیت گزارشگری مالی، رابطهٔ مثبت و معناداری مشاهده شد؛ البته این رابطهٔ مثبت در متغیر کیفیت حسابرسی ضعیف است. براساس جدول شمارهٔ ۷، بین متغیرهای کنترلی مالکیت سهام مدیران عامل، نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، سن شرکت و رشد فروش با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطهٔ معناداری مشاهده نشده است.

جدول شمارهٔ ۷. نتایج تخمین الگو فرضیهٔ دوم

متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آمارهٔ t	سطح معناداری	تورم واریانس
قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۴۹	۰/۶۲۷	۱/۹۰
دورهٔ تصدی	۰/۰۰۹	۰/۰۱	۰/۵۳	۰/۶۰۰	۱/۰۹
مالکیت سهام	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۶۸	۰/۵۰۱	۱/۱۵
اندازهٔ شرکت	۰/۰۴	۰/۰۰۹	۴/۵۱	۰/۰۰۰	۱/۳۴
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۱/۱۴	۰/۲۵۷	۱/۱۷
سن شرکت	-۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۵۴	۰/۵۹۱	۱/۱۲
کیفیت حسابرسی	۰/۰۲	۰/۰۱	۱/۷۱	۰/۰۹۰	۱/۲۱
رشد فروش	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۲۸	۰/۷۸۱	۱/۶۸
ضریب ثابت الگو	۰/۲۴	۰/۰۸	۲/۹۰	۰/۰۰۵	-
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		
ضریب تعیین			۰/۲۵۵		
آمارهٔ F الگو (سطح معناداری)			۷/۴۵ (۰/۰۰۰)		
مجذور میانگین مربعات خطا			۰/۰۸۸		

نتایج آزمون فرضیهٔ سوم

نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش نشان داد که شهرت و امنیت شغلی مدیرعامل با افزایش شفافیت گزارشگری مالی همراه است؛ البته این رابطهٔ مثبت برای امنیت شغلی مدیرعامل معنادار نگردیده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که وجود همزمان این دو ویژگی در مدیرعامل چه تأثیری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. برای

www.SID.ir

Archive of SID

پاسخ به این سؤال به بررسی اثر همزمان شهرت و امنیت شغلی مدیرعامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداخته شد. در جدول شمارهٔ ۸، نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبهٔ اول جملات اخلال ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۸. نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آمارهٔ آزمون	سطح معناداری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان	۵۱۹/۴۷	۰/۰۰۰	وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	ولدریج	۰/۲۸	۰/۶۱	عدم وجود خودهمبستگی مرتبهٔ اول

از آنجا که برازش الگوی رگرسیونی به روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) انجام شد، مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطا در بازه مورد بررسی رفع گردیده است. طبق جدول شمارهٔ ۹ مشاهده می‌شود کلیهٔ عوامل تورم واریانس، کمتر از ۵ است که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق است. جدول شمارهٔ ۹، نتایج رگرسیون الگوی مربوط به فرضیهٔ سوم پژوهش را نشان می‌دهد. سطح معناداری آمارهٔ F الگو کمتر از ۵ درصد بوده و این یعنی الگوی تحقیق به خوبی برازش شده است. مقدار ضریب تعیین الگوی پژوهش بیان می‌کند که ۹۹/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود.

با توجه به نتایج رگرسیون جدول شمارهٔ ۹، ضریب و سطح معناداری مربوط به متغیر تعامل شهرت با قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش به‌ترتیب اعداد ۰/۰۸ و ۰/۰۲۷ مشاهده شد و این بدان معناست که اثر همزمان شهرت و قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش به‌عنوان یکی از شاخص‌های امنیت شغلی مدیرعامل بر شفافیت گزارشگری مالی مثبت و معنادار است. در خصوص اثر همزمان شهرت و دورهٔ تصدی مدیرعامل به‌عنوان شاخص دیگر امنیت شغلی بر شفافیت گزارشگری مالی رابطه‌ای مشاهده نشد، چون سطح معناداری مربوط به متغیر تعامل شهرت با دورهٔ تصدی مدیرعامل ۰/۹۱۶ گردیده است. همچنین، از بین متغیرهای کنترلی تنها کیفیت حسابرسی دارای اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی است؛ البته این رابطهٔ مثبت به‌صورت ضعیف است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شمارهٔ ۹. نتایج تخمین الگو فرضیهٔ سوم

متغیرها	ضریب	خطای استاندارد	آمارهٔ t	سطح معناداری	تورم واریانس
شهرت	۱/۴۸	۰/۰۱	۱۳۵/۳۲	۰/۰۰۰	۱/۳۵
قرینه‌ضریب‌نوسان‌پذیری‌فروش	-۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۱	-۰/۴۱	۰/۶۸۴	۱/۹۲
شهرت*قرینه‌ضریب‌نوسان‌پذیری‌فروش	۰/۰۸	۰/۰۳	۲/۲۴	۰/۰۲۷	۱/۰۴
دورهٔ تصدی	-۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۸	-۰/۸۸	۰/۳۸۳	۱/۱۲
شهرت*دورهٔ تصدی	-۰/۰۰۲	۰/۰۲	-۰/۱۱	۰/۹۱۶	۱/۰۷
مالکیت سهام	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۷۲	۰/۴۷۰	۱/۱۶
اندازهٔ شرکت	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۴۹	۰/۶۲۸	۱/۴۴
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۵	۱/۷۶	۰/۰۸۱	۱/۱۷
سن شرکت	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	-۰/۶۳	۰/۵۳۱	۱/۱۲
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۶	-۱/۰۷	۰/۲۸۹	۱/۲۳
رشد فروش	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۱/۰۶	۰/۲۹۰	۱/۶۸
ضریب ثابت الگو	-۰/۱۰	۰/۰۰۶	-۱۵/۲۳	۰/۰۰۰	-
اثر سال			کنترل شد		
اثر صنعت			کنترل شد		
ضریب تعیین			۰/۹۹۷		
آمارهٔ F الگو (سطح معناداری)			۲۸۲۵/۸۲ (۰/۰۰۰)		
مجذور میانگین مربعات خطا			۰/۰۰۵		

نتیجه‌گیری و بحث

همانطور که در مقدمهٔ پژوهش بیان شد، ویژگی‌های فردی مدیران عامل از جمله شهرت و امنیت شغلی می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار دهد و از این طریق شفافیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند. نتایج فرضیهٔ اول پژوهش نشان داد، بین شهرت مدیرعامل و شفافیت گزارشگری مالی رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد؛ این نتیجه با نظریه قرارداد کارآ توجیه می‌شود. این نظریهٔ اقتصادی نشان می‌دهد که مدیران با شهرت قابل توجه، تمایل ندارند خودشان را در معرض رفتارهای فرصت‌طلبانه قرار دهند (کرپس و همکاران، ۱۹۸۲). چون رفتارهای

www.SID.ir

Archive of SID

فرصت‌طلبانهٔ مدیران عامل که منجر به کیفیت گزارشگری مالی ضعیف می‌گردد، در صورت آشکار شدن، باعث از دست رفتن اعتبار و حقوق و دستمزد آینده آنها می‌شود. همچنین، از آنجا که کاهش کیفیت گزارشگری مالی باعث افزایش هزینه سرمایه برای شرکت می‌گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵)، انتظار بر این است که بازار کار با کاهش دستمزد آتی مدیرعامل، این افزایش در هزینه سرمایه شرکت را جبران نماید. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های چو و همکاران (۲۰۱۷)، زواری و همکاران (۲۰۱۲) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) مطابقت ندارد.

در فرضیهٔ دوم همانطور که انتظار می‌رفت، بین شاخص‌های امنیت شغلی (یعنی: قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش و دورهٔ تصدی مدیرعامل) و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت مشاهده شد، ولی این رابطه معنادار نگردیده است. علت عدم مطابقت نتایج با ادبیات نظری پژوهش بدین معناست که در ایران معیارهای انتخاب و ادامهٔ همکاری با مدیران بر اساس عملکرد آنها نیست که بخواهد امنیت شغلی مدیران را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه شفافیت گزارشگری مالی تحت الشعاع قرار بگیرد. این استدلال با نتیجهٔ تحقیق عطافر و آذربایجانی (۱۳۸۰) قابل توجیه است. در پژوهش آنها تخصص، تعهد، تجربه، مهارت و توانایی افراد را معیارهای شایسته‌سالاری و در نظر گرفتن وابستگی‌های خاص مانند روابط فردی و خانوادگی، باند و رابطهٔ بازی و حتی منزلت اجتماعی و طبقاتی فرد را به‌عنوان معیارهای ناشایسته‌سالاری در نظر گرفتند. آن‌ها دریافتند که انتخاب مدیران بخش‌های دولتی و خصوصی در ایران تا حدود زیادی بر اساس معیارهای شایسته‌سالاری صورت نمی‌گیرد. نتیجهٔ این فرضیه با نتایج پژوهش‌های سول (۲۰۱۷)، چارفدین و بوئین (۲۰۱۲)، خسروی (۱۳۹۶) و مهام و بک محمدی (۱۳۹۴) همخوانی ندارد. در نهایت، نتایج تجزیه و تحلیل تکمیلی پژوهش نشان داد که تأثیر همزمان شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل (قرینه ضریب نوسان‌پذیری فروش) بر شفافیت گزارشگری مالی، مثبت و معنادار است.

www.SID.ir

Archive of SID

در این پژوهش از شاخص پوشش رسانه‌ای توسط خبرگزاری‌های وابسته به سازمان بورس تهران برای اندازه‌گیری شهرت مدیران عامل استفاده شده است. اگر در کنار خبرگزاری‌های مذکور، از پوشش رسانه‌های سمعی و بصری هم بهره گرفته می‌شد، یافته‌های پژوهش از سطح اطمینان بالاتری برخوردار می‌گردید. به‌علت عدم امکان گردآوری اطلاعات مربوط به مصاحبه‌های سمعی و بصری، بهره‌گیری از این شاخص اندازه‌گیری میسر نبوده است. لذا، در استفاده از نتایج پژوهش باید این محدودیت را در نظر داشت.

بر طبق نتایج این پژوهش، به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی شفافیت گزارش‌های مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به دو مقولهٔ شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل توجه نمایند. علاوه بر این، در زمینهٔ ویژگی‌های مدیرعامل از جمله شهرت، پژوهشی در سطح داخلی صورت نگرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، ارتباط این ویژگی با سایر موضوعات مالی و حسابداری از جمله عملکرد و کیفیت سود، مورد بررسی قرار گیرد.

یادداشت‌ها

1. Rent Extraction
2. Kreps, Milgrom, Roberts and Wilson
3. Francis
4. Malmendier and Tate
5. Joos, Leone and Zimmerman
6. Rosen
7. Fan, Barua, Cready and Thomas
8. Charfeddine and Bouaine
9. Gordon, Horwitz and Meyers
10. Watts and Zimmerman
11. Lang and Maffett
12. Bushman, Piotroski and Smith
13. Barth and Schipper
14. Sengupta
15. Gernon and Meeks
16. DeBoskey and Gillett
17. Wei, Ouyang and Chen
18. Sul
19. Weng and Chen
20. Chu, Dechow, Hui and Wang
21. Zouari, Lakhal and Nekhili
22. Milbourn
23. Ahmed, Zhou and Lobo
24. Ali and Zhang

منابع

اعرابی، محمد. (۱۳۸۰). راهبردها، برنامه‌ها و راهکارهای تحقیق امنیت شغلی مناسب در نظام اداری، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۸(۲۹ و ۳۰)، ۳۱-۷.

www.SID.ir

Archive of SID

بنی‌مهد، بهمن؛ مرادزاده فرد، مهدی؛ زینالی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطهٔ بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۴(۱۴)، ۱۰۸-۹۱.

پورحیدری، امید؛ یوسف‌زاده، نسرین؛ اعظمی، زینب. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اندازهٔ شرکت بر رابطهٔ افشا و هزینهٔ سرمایهٔ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۵(۱۸)، ۱۱۱-۹۱.

حسنی، محمد. (۱۳۹۲). حساسیت محافظه‌کاری حسابداری نسبت به کیفیت حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۴(۱۵)، ۱۷۲-۱۴۹.

خسروی، اسلام. (۱۳۹۶). *بررسی تأثیر امنیت شغلی مدیر عامل شرکت بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت وحسابداری دانشگاه شهید بهشتی.

عطافر، علی؛ آذربایجانی، کریم. (۱۳۸۰). بررسی شایسته سالاری در انتخاب مدیران دولتی و خصوصی. *دانش مدیریت*، ۱۴(۵۴)، ۳۸-۱۵.

سجادی، سید حسین؛ دستگیر، محسن؛ حسین‌زاده، علی حسین؛ اخگر، محمدامید. (۱۳۹۱). بررسی شیوه‌های استفاده از اختیارات مدیریت در گزارشگری سودآوری آینده و تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر شیوه‌های استفاده از اختیارات مزبور. *دانش حسابداری*، ۳(۸)، ۳۰-۷.

سرلک، نرگس؛ کلوانی، داود. (۱۳۹۴). رابطهٔ بین انواع مالکیت نهادی و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۳)، ۱۶۴-۱۴۹.

صمدی لرگانی، محمود؛ آراد، حامد. (۱۳۹۱). نقش افشای داوطلبانه و شفافیت در گزارشگری مالی. *حسابرس*، ۵۸، ۱۱۳-۱۱۱.

محرابی، جواد؛ گلناری، مجتبی. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین امنیت شغلی با رفتار شهروند سازمانی کارکنان دائمی و موقت در دانشگاه علوم پزشکی قزوین. *مدیریت توسعه و تحول*، ۷(۲۱)، ۶۰-۴۹.

مهام، کیهان؛ بک محمدی، صباح. (۱۳۹۴). رابطهٔ مدیریت سود عملکرد جاری و عملکرد آتی با امنیت شغلی مدیر عامل، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۸(۲۹)، ۳۸-۱۹.

یوسفی اصل، فرزانه؛ ملانظری، مهناز؛ سلیمانی امیری، غلامرضا. (۱۳۹۳). تبیین الگو شفافیت گزارشگری مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۳۸-۱.

References

Ahmed, A., Zhou, J., Lobo, G. (2006). Job security and income smoothing: An empirical test of the Fudenberg and Tirole (1995) model. *Working Paper*, Texas A&M University- Mays Business School.

Ali, A., Zhang, W. (2015). CEO tenure and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 59(1), 60-79.

www.SID.ir

Archive of SID

Arabi, M. (2001). Strategies, procedures and methods, job security in organization, Journal of Management Studies in Development and Evaluation, 8(29&30), 7-31 [In Persian].

Atafar, A,. Azarbaijani, K. (2001). Assessing the meritocracy in the selection of public and private sector managers. Management Knowledge, 14(54), 15-38 [In Persian].

Banimahd, B,. Moradzadehfadr, M,. Zeinali, M. (2013). Relationship between change of independent auditor and change of audit opinion. Journal of Accounting Knowledge, 4(14), 91-108 [In Persian].

Barth, M. E., Schipper, K. (2008). Financial reporting transparency. *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 23, 173-190.

Bushman, R., Piotroski, J., Smith, A. (2004). What determines corporate transparency? *Journal of Accounting Research*, 42(2), 207-252.

Charfeddine, L., Bouaine, W. (2012). Income smoothing and CEO job security. *Information Management and Business Review*, 4(3), 95.

Chu, J., Dechow, P.M., Hui, K.W., Wang, A. (2017). A reputation for beating analysts' expectations and the slippery slope to earnings manipulation. *Working Paper*, University of Cambridge-Judge Business School.

DeBoskey, D.G., Gillett, P.R. (2013). The impact of multi-dimensional corporate transparency on us firms' credit ratings and cost of capital. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 40(1), 101-134.

Fan, Y., Barua, A., Cready, W.M., Thomas, W.B. (2010). Managing earnings using classification shifting: Evidence from quarterly special items. *The Accounting Review*, 85(4), 1303-1323.

Francis, J., Huang, A.H., Rajgopal, S., Zang, A.Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 109-147.

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 295-327.

Gernon H., Meeks G.K. (1997). *Accounting an International Perspective*. 5th edn. Irwin McGraw-Hill, Singapore.

Gordon, M.J., Horwitz, B.N., Meyers, P.T. (1966). Accounting measurements and normal growth of the firm. *Research in Accounting Measurement*, 221-223.

Hasani, M. (2013). The Sensitivity of Accounting Conservatism to Audit Quality. Journal of Accounting Knowledge, 4(15), 149-172 [In Persian].

Joos, P., Leone, A., Zimmerman, J. (2003). Selecting CEOs: Matching the person to the job. *Working Paper*, University of Rochester.

Khosravi, E. (2017). Investigating the impact of CEO job security on earnings smoothness in listed companies in Tehran Stock Exchange. Master 's degree,

www.SID.ir

Archive of SID

Faculty of management and accounting, Shahid Beheshti University [In Persian].

Kreps, D.M., Milgrom, P., Roberts, J., Wilson, R. (1982). Rational cooperation in the finitely repeated prisoners' dilemma. *Journal of Economic Theory*, 27(2), 245-252.

Lang, M., Maffett, M. (2011). Transparency and liquidity uncertainty in crisis periods. *Journal of Accounting and Economics*, 52(2011), 101-125.

Maham, K., Bak Mohamadi, S. (2016). The relationship between income smoothing current performance, future performance and CEO job security. The Financial Accounting and Auditing Research, 8(29), 19-38 [In Persian].

Malmendier, U., Tate, G. (2009). Superstar ceos. *The Quarterly Journal of Economics*, 124(4), 1593-1638.

Malmendier, U., Tate, G. (2009). Superstar ceos. The Quarterly Journal of Economics, 124(4), 1593-1638.

Mehrabi, J,. Golnari, M. (2015). Evaluate the Relationship between Job Security and Organizational Citizenship's Behavior of Temporary and Permanent Staffs at the Qazvin University of Medical Sciences, Journal of Development and Evolution Management, 7(21), 49-60 [In Persian].

Milbourn, T.T. (2003). CEO reputation and stock-based compensation. *Journal of Financial Economics*, 68(2), 233-262.

Pourheydari, O,. Yousefzadeh, N,. Azami, Z. (2014). Effects of Firm Size on the relationship between disclosure and cost of equity capital in companies listed in Tehran Stock Exchange. Journal of Accounting Knowledge, 5(18), 91-111 [In Persian].

Rosen, S. (1990). Contracts and the market for executives. *National Bureau of Economic Research*, London: Blackwell, 181-211.

Sajadi, S, H,. Dastgir, Mohsen,. Hosseinzadeh, A, H,. Akhgar, O. (2012). Investigating the Using Methods of Management Discretion in Future Profitability Reporting and the Effect of Firms' Characteristics on Using Methods of These Discretions. Journal of Accounting Knowledge, 3(8), 7-30 [In Persian].

Samadi Lorgani, M,. Arad, H. (2012). Role of voluntary disclosure and transparency in financial reporting, Auditor, 58, 111-113 [In Persian].

Sarlak, N,. Kalavani, D. (2015). Relationship between different types of institutional ownership and conservatism in listed companies in Tehran stock Exchange. Journal of Empirical Research in Accounting, 4(3), 149-164 [In Persian].

Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and cost of debt. *The Accounting Review*, 73(4), 459-474.

Sul, E. (2017). Takeover threats, job security concerns, and earnings management. *Working Paper*, George Washington University-School of Business.

www.SID.ir

Archive of SID

Watts, R.L., Zimmerman, J.L. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall Inc.

Wei, J., Ouyang, Z., Chen, H.A. (2018). CEO characteristics and corporate philanthropic giving in an emerging market: The case of China. *Journal of Business Research*, 87, 1-11.

Weng, P.S., Chen, W.Y. (2017). Doing good or choosing well? Corporate reputation, CEO reputation, and corporate financial performance. *The North American Journal of Economics and Finance*, 39, 223-240.

Yosefi Asl, F., Mollanazari, M., Soleimani Amiri, G. (2014). Designing financial reporting transparency model. Journal of Empirical Research in Accounting, 1-38 [In Persian].

Zouari, Z., Lakhal, F., Nekhili, M. (2012). Do CEO's characteristics affect earnings management? Evidence from France. *Working Paper*, University of Sousse.

www.SID.ir